

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی - 29 / دی / 1392

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تبریک عرض میکنم عید سعید میلاد مبارک پیامبر اعظم و ولادت با برکت فرزند بزرگوارش امام صادق (علیه الصلاة و السلام) را به همه‌ی شما حضار محترمی که در این جلسه تشریف دارید، میهمانان عزیز هفته‌ی وحدت و سفرای کشورهای اسلامی و همه‌ی مسئولان و بزرگوارانی که در کشور مسئولیت کارهای سنگین را بر دوش گرفته‌اند؛ همچنین تبریک عرض میکنم به همه‌ی ملت ایران و به همه‌ی مسلمانان جهان، بلکه به همه‌ی آزادی خواهان عالم. این ولادت مبارک منشأ برکاتی است که در طول قرون بر زندگی آحاد بشر فرو ریخته است و ملت‌ها را، انسانها را، انسانیت را به برترین عوالم انسانی و فکری و روحی و به تمدنی والا و به چشم‌اندازی روشن برای زندگی رسانده است. آنچه در سالگرد این ولادت برای دنیای اسلام و جامعه‌ی اسلامی مهم است، این است که انتظارات پیامبر اکرم از جامعه‌ی اسلامی را مد نظر قرار بدهد و سعی کند و مجاهدت کند که این انتظارات برآورده شود؛ سعادت دنیای اسلام در این است و لاغیر. اسلام برای آزادی بشر آمد، هم آزادی از قید و بند فشار دستگاه‌های مستبد و ظالم بر طبقات گوناگون انسان و ایجاد حکومت عادلانه برای بشر، و هم آزادی از اندیشه‌ها و تصورات و اوهام حاکم بر زندگی انسان؛ که مسیر زندگی انسان را در جهت خلاف مصلحت او باز کرده بود و پیش میبرد. امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) زندگی مردم در محیط ظهور اسلام را، محیط فتنه توصیف کرده است: *فی فتنٍ داستهم یاخفافها و وطئتهم یاظلافها*؛ (۱) فتنه یعنی آن فضای غبارآلودی که چشمهای انسان قادر بر دیدن در آن فضای غبارآلود نیست؛ راه را نمیبیند، صلاح را تشخیص نمیدهد؛ این وضعیت مردمی بود که در آن منطقه‌ی پرمحنت و پرمالال زندگی میکردند. در کشورهای بزرگ، در تمدنهای موجود آن زمان هم که حکومت‌هایی داشتند، ملت‌هایی داشتند، همین وضع به شکل دیگری حاکم بود. این جور نیست که فرض کنیم زمان ظهور اسلام جزیره‌العرب مردم بدبختی داشت و دیگران خوشبخت بودند؛ نه، غلبه‌ی حکومت‌های جائر و ظالم، نادیده گرفتن شأن انسان و انسانیت، جنگ‌های خانمان براندازی که میان قدرت‌ها و برای قدرت طلبی به راه انداخته میشد، زندگی مردم را تباه کرده بود. ملاحظه‌ی تاریخ نشان میدهد که دو تمدن معروف آن روز، یعنی تمدن ایران ساسانی و تمدن امپراتوری روم وضعیتی داشتند که دل انسان به حال توده‌ی مردم و قشرهای مختلف انسانها که در آن جوامع زندگی میکردند، میسوزد؛ وضع زندگی آنها زندگی رقت‌باری بود، در اسارت بودند. اسلام آمد، انسانها را آزاد کرد؛ این آزادی، نخست در دل انسان و در روح انسان به وجود می‌آید؛ و وقتی انسان احساس کرد آزادی را، احساس کرد نیاز به گسستن بندها را، نیروهای او تحت تأثیر این احساس قرار می‌گیرد و اگر همت کند و حرکت کند، تحقق عینی آزادی برای او به وجود می‌آید؛ اسلام این کار را برای انسانها کرد؛ امروز هم همان پیام هست در همه‌ی دنیا و در دنیای اسلام. دشمنان آزادی بشر فکر آزادی را در انسانها می‌میرانند و از بین می‌برند؛ وقتی فکر آزادی نبود، حرکت به سمت آزادی هم کند خواهد شد یا از بین خواهد رفت. آنچه امروز ما مسلمانها وظیفه داریم این است که سعی کنیم خود را به آزادی مورد نظر اسلام برسانیم؛ استقلال ملت‌های مسلمان، استقرار حکومت‌های مردمی در سراسر دنیای اسلام، حضور آحاد مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تعیین سرنوشت‌ها و حرکت بر پایه‌ی شریعت اسلامی، آن چیزی است که ملت‌ها را نجات خواهد داد. البته امروز ملت‌های مسلمان احساس میکنند که به این حرکت نیاز دارند و در سراسر دنیای اسلام این احساس هست و در نهایت این احساس به نتیجه خواهد رسید؛ بدون تردید. اگر زبندگان و نخبگان ملت‌ها - چه نخبگان سیاسی، چه نخبگان علمی و دینی - وظائف خودشان را درست انجام بدهند، آینده‌ی دنیای اسلام آینده‌ی مطلوبی خواهد بود؛ به این آینده، امید وجود دارد. امروز دنیای اسلام احساس بیداری میکند. درست در همین نقطه است که دشمنان اسلام - آن کسانی که با بیداری اسلامی مخالفند، با استقلال ملت‌ها مخالفند، با حاکمیت دین خدا در کشورها مخالفند - وارد میدان میشوند؛ انواع و اقسام ترندها برای معطل گذاشتن جوامع اسلامی به وجود می‌آید و مهم‌ترین آنها ایجاد اختلاف است.

دنیای استکبار ۶۵ سال است که با همه‌ی وجود و توان سعی در این دارد که واقعیت وجود رژیم صهیونیستی را بر ملت‌های مسلمان تحمیل کند و آنها را وادار به پذیرش این واقعیت کند، و نتوانسته است. نگاه نکنیم به بعضی از کشورها و دولت‌ها که حاضرند برای حفظ منافع دوستان بیگانه‌ی خود که دشمن اسلامند، منافع ملی را زیر پا بگذارند یا منافع اسلامی را به فراموشی بسپرنند؛ ملت‌ها مخالف حضور صهیونیست‌ها هستند. ۶۵ سال است که تلاش میکنند نام فلسطین را از یادها ببرند، [اما] نتوانستند. در همین چند سال اخیر در جنگ سی و سه روزه در لبنان، در جنگ بیست و دو روزه در غزه، و بار دوم در جنگ هشت روزه در غزه، ملت مسلمان و امت اسلامی نشان داد که زنده است و علی‌رغم سرمایه‌گذاری آمریکا و دیگر قدرتهای غربی، توانسته است موجودیت خود را، هویت خود را حفظ کند و به نظام تحمیلی جعلی صهیونیستی سیلی بزند و اربابان و دوستان و هم‌پیمانان صهیونیست‌های ظالم را که در این مدت همه‌ی تلاش خود را برای حفظ این رژیم تحمیلی و ظالم و جنایت‌کار انجام داده‌اند ناکام بگذارد؛ امت اسلامی نشان داد که فلسطین را از یاد نبرده است؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. در همین شرایط است که همه‌ی تلاش‌های دشمن متوجه این میشود که امت اسلامی را از یاد فلسطین غافل کند. چه جور؟ با ایجاد اختلافات، با جنگ‌های داخلی، با ترویج افراط‌گری انحرافی به نام اسلام و به نام دین و شریعت؛ عده‌ای عامه‌ی مسلمانان را، اکثریت مسلمانان را تکفیر کنند. وجود این جریان‌های تکفیری که در دنیای اسلام به وجود آمدند، برای استکبار، برای دشمنان جهان اسلام یک مزده است. اینها هستند که به جای توجه به واقعیت خبیث رژیم صهیونیستی، توجه‌ها را به جای دیگری معطوف میکنند. درست نقطه‌ی مقابل آنچه اسلام خواسته است؛ اسلام از مسلمانان خواسته است که «اشِدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ» (۲) [باشند]؛ مسلمانان باید در مقابل دشمنان دین سرسخت باشند، باید بایستند، باید تحت نفوذ قرار نگیرند؛ «اشِدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» صریح آیه‌ی قرآن است. بین خودشان مهربان باشند، با هم باشند، دست در دست یکدیگر بگذارند، اعتصام به حبل‌الله بکنند؛ این دستور اسلام است. آن وقت یک جریانی به وجود بیاید که مسلمانان را تقسیم کند به مسلم و کافر! عده‌ای را به عنوان کافر هدف قرار بدهد، مسلمانان را به جان هم بیندازند! چه کسی میتواند شک کند که وجود این جریان‌ها و پشتیبانی این جریان‌ها و تمویل (۳) این جریان‌ها و دادن سلاح به اینها کار استکبار است و کار دستگاه‌های امنیتی خبیث دولتهای استکباری است؟ می‌نشینند و برای همین کار برنامه‌ریزی میکنند. دنیای اسلام باید به این مسئله بپردازد؛ این خطر بزرگی است. متأسفانه بعضی از دولتهای مسلمان، بی‌توجه به این اختلافات دامن می‌زنند؛ نمی‌فهمند که دامن زدن به این اختلافات، آتشی خواهد افروخت که دامن همه‌ی آنها را خواهد گرفت؛ این خواسته‌ی استکبار است: جنگ گروهی مسلمان با گروهی دیگر. عامل این جنگ هم کسانی هستند که از پول دست‌نشان‌گان مستکبرین استفاده میکنند؛ به اینها پول میدهند، سلاح میدهند، [که] در این کشور و در آن کشور، مردم را به جان هم بیندازند. و این حرکت از سوی استکبار در این سه چهار سال اخیر که موج بیداری اسلامی در تعدادی از کشورهای اسلامی و عربی به وجود آمد، تشدید شده است؛ برای اینکه بیداری اسلامی را تحت‌الشعاع قرار بدهند. هم مسلمانان را به جان هم می‌اندازند، هم با بزرگ‌نمایی دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن، اسلام را در چشم افکار عمومی دنیا زشت جلوه میدهند؛ وقتی تلویزیون‌ها یک آدمی را نشان میدهند که به نام اسلام، جگر یک انسانی را دارد می‌چورد و می‌خورد، درباره‌ی اسلام چه فکر میکنند؟ دشمنان اسلام برنامه‌ریزی کردند؛ اینها چیزهایی نیست که دفعتاً به وجود بیاید، اینها چیزهای خلق‌الساعه نیست؛ اینها چیزهایی است که درباره‌ی آن مدت‌ها برنامه‌ریزی شده است، پشت سر اینها سیاست هست، پشت سر اینها پول هست، دستگاه‌های جاسوسی پشت سر این جور کارها هستند. مسلمانان باید با هر عامل مخالف وحدت و ضدّ وحدت مقابله بکنند؛ این یک تکلیف بزرگ برای همه‌ی ما است؛ هم شیعه باید این را قبول کند، هم سنی باید قبول کند، هم شعبه‌های گوناگونی که در میان شیعیان و در میان سنی‌ها وجود دارد این را باید بپذیرند.

وحدت به معنای تکیه‌ی بر مشترکات است. ما مشترکات زیادی داریم؛ میان مسلمانان، مشترکات بیش از موارد اختلافی است؛ روی مشترکات باید تکیه کنند. تکلیف عمده هم در این مورد بر دوش نخبگان است؛ چه نخبگان سیاسی، چه نخبگان علمی و چه نخبگان دینی. علمای دنیای اسلام مردم را از تشدید اختلافات فرقه‌ای و مذهبی برحذر بدارند. دانشمندان دانشگاهی، دانشجویان را توجیه کنند و به آنها تفهیم کنند که امروز مهم‌ترین مسئله در

دنیای اسلام وحدت است. اتحاد به سمت هدفها؛ هدف استقلال سیاسی، هدف استقرار مردم سالاری دینی، هدف پیاده کردن حکم الهی در جوامع اسلامی؛ اسلامی که دعوت به آزادی میکند، اسلامی که انسانها را دعوت به عزت و شرف میکند؛ این امروز تکلیف است، این وظیفه است. نخبگان سیاسی هم باید بدانند عزت و شرف آنها با تکیه‌ی به مردم و آحاد ملت‌ها است، نه با تکیه‌ی به بیگانگان، نه با تکیه‌ی به کسانی که از بُن دندان با جوامع اسلامی دشمنند. یک روزی در این مناطق، همه جا قدرت استکباری حاکم بوده است؛ سیاست‌های آمریکا و قبل از آن انگلیس یا بعضی از کشورهای دیگر اروپایی حاکم بوده است؛ ملت‌ها بتدریج توانستند خود را از زیر بار سلطه‌ی مستقیم نجات بدهند؛ این‌ها می‌خواهند سلطه‌ی غیر مستقیم را - سلطه‌ی سیاسی را، سلطه‌ی اقتصادی را، سلطه‌ی فرهنگی را - به جای سلطه‌ی مستقیم دوران استعمار بگذارند؛ که البته در برخی از نقاط دنیا حتی مستقیم هم دارند وارد میشوند؛ در آفریقا شما ملاحظه میکنید، بعضی از کشورهای اروپایی می‌خواهند همان بساط قبل را باز مستقر کنند. راه، بیداری اسلامی است؛ راه، آگاهی از شأن ملت‌های اسلامی است؛ ملت‌های اسلامی امکانات زیادی دارند، موقعیت جغرافیایی حساسی دارند، میراث تاریخی بسیار ارزشمندی دارند، منابع اقتصادی بی‌نظیری دارند؛ اگر ملت‌ها به خود بیایند، خود را بیابند، به خود تکیه کنند، با یکدیگر دست دوستی بدهند، این منطقه، منطقه‌ی برجسته و درخشانی خواهد شد و دنیای اسلام روی عزت و کرامت و آقایی را خواهد دید. این چیزی است که در آینده ان شاء الله پیش خواهد آمد؛ نشانه‌های آن را می‌شود دید: پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، استقرار نظام جمهوری اسلامی در این منطقه‌ی حساس، استحکام نظام جمهوری اسلامی.

دستگاه‌های استکباری اعم از آمریکا و دیگران، ۳۵ سال است علیه نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، آنچه از دستشان بر آمده است، انجام داده‌اند؛ علی‌رغم آنها ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی روزبه‌روز قوی‌تر، ریشه‌دارتر، مقتدرتر و دارای نفوذ بیشتر شده است و ان شاء الله این استحکام، این استقرار، این قوت بیشتر خواهد شد. در دنیای اسلام هم انسان می‌بیند که امروز آگاهی نسل‌ها، آگاهی جوان‌ها نسبت به اسلام و آینده‌ی اسلام بیش از گذشته است و در بعضی جاها بمراتب بیش از گذشته است؛ البته دشمن تلاشهایی میکند، اما ما با دقت و بصیرت که نگاه کنیم، خواهیم دید این موج حرکت اسلامی ان شاء الله رو به پیش است.

رحمت خدا بر امام بزرگوارمان که این راه را او در مقابل ما باز کرد؛ او به ما یاد داد که باید به خدا توکل کرد، از خدا مدد طلبید و به آینده امیدوار بود. و [ما] این راه را پیش رفتیم و ان شاء الله بعد از این هم همین خواهد شد. به امید پیروزی اسلام و مسلمانان و با طلب رحمت و مغفرت الهی بر شهدای این راه درخشان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) نهج البلاغه، خطبه‌ی دوم

(۲) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹

(۳) ثروتمند کردن